

پیام عملیات در راه برای صهیونیست‌ها چیست؟

تا وقت هست فرار کنید



سیدمهدی طالبی دبیرگروه جهان‌شهر

صهیونیست‌ها پس از شهادت اسماعیل هنیه، برجسته‌ترین رهبر فلسطینی در حرارت خوشحالی در شهرک‌های خود شیرینی پخش کردند بدون آنکه متوجه شوند باید چند روز بعد حلوا بپزند. حالا فصل حلواخوری صهیونیست‌ها پیش روست. محور مقاومت تصمیم گرفته با سرعری بالاتر از عملیات وعده صادق-۱ که در شامگاه ۲۵ و باعداد ۲۶ فروردین‌ماه به اجرا درآمد- پاسخی عظیم‌تر به رژیم بدهد.

اهداف اساسی پاسخ

محور مقاومت در پاسخ سنگین خود که چند روز به طول خواهد انجامید، اهداف مهمی دارد. این اهداف با توجه به محمصه‌ای که رژیم را وادار به تروهای هوشمند کرده است، انتخاب شده‌اند. رژیم صهیونیستی به دلیل وقوع بحران مهمات و تسلیحات، برای پوشش ضعف‌ها و به زعم خود نشان دادن چنگ و دندان، تصمیم به تروهای هوشمند گرفت. در ذهن مقامات رژیم، احتمال داشت دشمنان با درک ابعاد تجهیزات نابودشده و مهمات مصرفی در طول ۱۰ ماه نبرد به فکر استفاده از این فضا علیه تل‌آویو بیفتند. از این رو آنان با تئور فرماندهان و دست زدن به جنایت تلاش کردند به طرف مقابل تاکید کنند استفاده از فرصت ضعف نظامی‌شان چه تبعاتی دارد. هرچه که بود، نقشه صهیونیست‌ها درست از آب درنیامده است. اقدام صهیونیست‌ها تنها مجوز مشروع بهره‌برداری از ضعف‌های رژیم را در اختیار محور مقاومت قرار داد، بدون آنکه این محور را از بیم تروها و جنایت‌های بیشتر باز دارد. بر همین اساس هدف محور مقاومت به‌طور ویژه‌ای وارد آوردن فشار بیشتر بر پاشنه آشیل صهیونیست‌ها در بحران مهمات- سلاح است. هدف‌های احتمالی به شرح ذیلند.

۱- زنجیره تولیدات نظامی

در این حوزه مراکز، تأسیسات و کارخانه‌های طراحی، توسعه، آزمایش و تولید سلاح و مهمات هدف قرار می‌گیرند. در این صورت رژیم نه‌تنها توانایی خود برای دفاع از سرزمین‌های اشغالی را از دست می‌دهد، بلکه ابزار کارآمد خود برای اقدامات و نفوذ فراسرزمینی که در قالب قرارداد‌های فروش سلاح صورت می‌گیرد را نیز از دست می‌دهد.

۲- محل‌های انبار و ذخیره مهمات از هرنوع که همراه کلیه تدارکات نظامی از جمله منابع سوخت اضطراری نظامی از اهداف اصلی هستند.

با این ضرات صهیونیست‌ها حتی در صورت ارسال فوری مهمات توسط متحدان‌شان قادر به انبار آنها نیستند؛ چه اینکه در این وضعیت انباشت غیرایمن مهمات ارسالی، خود به بلائی جان‌تل‌آویو تبدیل می‌شود.

۳- چشم‌های نظارتی

پایگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی رژیم در نقاط حساس که شامل تجهیزات گران‌قیمت جاسوسی و کنترلی هستند از بین می‌روند. این مساله باعث دشواری رژیم در استفاده از تسلیحات باقی‌مانده در دستاش می‌شود.

نقاط ثقل ضربه

نیروی زمینی رژیم در ابعاد سه‌گانه سلاح، مهمات و نفرات آسیب دیده است. ۱۲۰۰ تانک خارج‌شده از وضعیت عملیاتی، مهمات اندک و هزاران نفر تلفات، نفسی برای نیروی زمینی باقی نگذاشته است. نیروی دریایی رژیم نیز تقریباً از مصادلات خارج است. در این میان تنها نیروی هوایی جان در بدن دارد. نیروی هوایی در بعد مهمات آسیب دیده اما در ابعاد سلاح و نفرات سالم مانده است. برای کشیدن نیش نیروی هوایی، آسیب به استعداد تسلیحاتی و انسانی مدنظر است.

در وعده صادق زمان چندساعته حملات باعث شد جنگنده‌ها بتوانند با پرواز در آسمان از مهلکه بگریزند اما قرار است در حملات آتی، موج تهاجمات چندروزه باشد که امکان در آسمان ماندن را از جنگنده‌ها می‌گیرد. جنگنده‌های رژیم با در فرودگاه‌ها فرود آمده و هدف قرار می‌گیرند یا مجبور می‌شوند به‌طور موقت از فلسطین اشغالی خارج شوند. باین‌وجود، نیروی زمینی هم شامل ضربه‌ها خواهد شد. در نیروی زمینی جنایت‌کارت‌ترین یگان‌ها، نیروهای نخبه هستند. آنها بار اصلی جنگ غزه را بر دوش کشیده و امید تل‌آویو برای ادامه نبرد هستند.

تعداد یگان‌های نخبه رژیم چندان زیاد نیست و در مقرهای محدودی مستقرند. ضربه به این نیروها که زخم‌خورده جنگ غزه هستند، کار تل‌آویو برای بازایای توانش را چند سال دیگر به تعویق می‌اندازد.

مختصات و ویژگی‌های حمله

حملات آتی محور مقاومت ویژگی‌های خاصی دارد؛ به‌گونه‌ای که شاید از نظر ابعاد چند برابر وعده صادق-۱ باشد.

۱- جغرافیای پرتاب و عملیات

جغرافیای پرتاب سلاح‌ها و عملیات شامل فلسطین اشغالی به شمول نوار غزه، کرانه باختری و سرزمین‌های ۱۹۴۸، لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران خواهد شد. بر این اساس سرزمین‌هایی به وسعت ۲ میلیون کیلومتر مربع مبدأ حملات به‌منه تعلق خواهد بود. آنچه مشخص است، رژیم و متحدانش نه برای رهگیری پرتابه‌ها، بلکه تنها برای مشخص کردن منشا

حملات ۲ میلیون کیلومتر مربع را تحت نظر داشته باشند.

۲- جغرافیای اصابت

با توجه به عملیات‌های رژیم از بیروت تا تهران و از پاراچنار در پاکستان تا یمن و سودان، وسعت جغرافیایی پاسخ محور مقاومت محدود به فلسطین اشغالی نخواهد شد. بر این اساس منابع صهیونیست‌ها در جغرافیای گسترده‌ای زیر ضربه می‌رود.

۳- محتویات انتقام

رژیم در مدت اخیر جنایت‌های گسترده‌ای مرتکب شد که شامل قتل‌عام غیرنظامیان در پاراچنار پاکستان و ضاحیه بیروت و همچنین تئور رهبران در لبنان، ایران و سودان می‌شود. رژیم صهیونیستی باید بداند انتقام از عملیات پهلپادی علیه سران این دولت نیز در دستورکار قرار دارد و بخشی از برنامه است. با توجه به هدف‌گیری سودان توسط رژیم در روزهای گذشته و سابقه حمله هوایی آمریکا به این کشور، سودان باید از برخی قابلیت‌های حملات دوربرد برخوردار شود. محور مقاومت متحدان خود را فراموش نکرده و خونخواه آنان است.

۴- تسلیحات

به لحاظ سلاح، طیف وسیعی از تسلیحات از تنگ‌های انفرادی و راکت‌های ضدزره گرفته تا موشک‌های بالستیک به کار گرفته می‌شوند. حملات همه‌جانبه و از هرسو و در زوایای مختلف خواهد بود.

۵- حجم

حجم عملیات پیش رو نسبت به عملیات وعده صادق-۱ از دو سو گسترش یافته است. از یک سو هدف عملیات رسیدن سطح تهاجم به میزانی است که خارج از توان پدافندی غرب و رژیم در منطقه باشد. این مساله مستلزم به‌کارگیری حجم بالایی از تسلیحات است. از سوی دیگر در عملیات باید اهداف متعددی نابود شوند که این مساله خود باعث افزایش بیشتر حجم سلاح‌های به کاررفته می‌شود.

۶- زمان

باتوجه به اهداف، جغرافیای وسیع تهاجمات و تسلیحات به کار رفته، زمان بسیار بیشتری نسبت به عملیات وعده صادق-۱ نیاز است. این عملیات ۷ تا ۴ ساعت طول کشیده اما وعده صادق-۲ چندروزه خواهد بود. در وعده صادق-۱ تنها صرف اصابت پرتاب‌ها کنفایت می‌کرد اما در وعده صادق-۲ قرار است برخی اهداف به‌طور موثری نابود شوند. بر این اساس وعده صادق-۲ دارای چند مرحله است که هر یک از آنها می‌تواند معادل یک وعده صادق-۱ باشد. به‌عنوان مثال در اولین مراحل وعده صادق-۲ باید پدافند هوایی رژیم اشباع شده و از دور خارج شود. در مراحل بعدی نیز مراکز متعددی باید تخریب شده و تلفات قابل توجهی در تقاص خون‌های ریخته‌شده غیرنظامیان در پاراچنار و بیروت گرفته شود.

۷- دستورکار ویژه

سرکوب پدافند هوایی غرب در منطقه در دستورکار است. این مساله شامل پدافند زمین پایه، دریایی و هوایی می‌شود. بر این اساس هرکدام از پایگاه‌ها، شناورها و جنگنده‌هایی که تلاش داشته باشند پرتابه‌های محور مقاومت را رهگیری کنند، مورد حمله واقع می‌شوند. این مساله لزوماً با مسئولیت‌پذیری همراه نخواهد بود. برخی از تسلیحات مبتنی بر هوش مصنوعی بوده و به‌طور مستقل تصمیم خواهند گرفت به نقاط اختلال حمله کنند. همچنین احتمال دارد پهانه اصابت موشک به برخی پایگاه‌ها، نقص فنی در آنها اعلام شود. راه عاقلانه عدم اختلال در پرواز پرتابه‌هاست.

۸- تعیین تکلیف انحصار کنترل دریاهای مجاور

در درگیری پیش‌رو انحصار دریایی غرب بر منطقه به چالش کشیده خواهد شد. دریاهای شمال شرق مدیترانه، دریای سرخ، خلیج عدن، شرق آفریقا و اقیانوس هند است. برد سلاح‌های محور مقاومت در این پهنه به همگان اثبات خواهد کرد دیگر انحصار کنترل دریای منطقه در دستان پیشینیان نیست.

۹- قیمت

در حملات پیش‌رو به هرچیتی توان تهاجمی رژیم از بین می‌رود. خط قرمز باقی مانده موجودیت رژیم است که اگر خطای مجدد سرزنند، آن نیز از بین می‌رود. خط قرمزی که رژیم از آن عبور کرد، توان تهاجمی‌اش بود.

۱۰- تحول‌زایی

پس از پایان عملیات خونخواهی محور مقاومت به‌طور کلی حملات در چهارچوب غزه نیز با تحول کمی- کیفی مواجه می‌شود. از این رو در فیردای عملیات خونخواهی، عملیات‌هایی که برای پایان جنگ غزه صورت می‌گیرند، به شدت افزایش خواهند یافت. یمن یا حمله به تل‌آویو به‌وسیله پهپاد یافا مسیر تشدید بر منبای غزه را آغاز کرده بود و این راه با ارتقای مجددی از سرگرفته می‌شود.

آمادگی محور

محور مقاومت برای زنجیره زد و خورد‌ها آماده است. بالاتر از آن محور برای ورود به جنگ بزرگ و فراگیر آماده شده است. بر این اساس اعضای محور با

اعتماد‌به‌نفس و بدون رعایت خطوط قرمز پیشین دست به حمله می‌زنند. این مساله به معنای آمادگی و تمهید محور مقاومت برای کشیدن جنگ به سناریوهای آخرالزمانی توسط محور مقابل است. درصورت ورود زد و خورد‌ها به سناریوهای سنگین‌تر، جنگ همه هست و نیست دشمن را بر باد می‌دهد.

مجاز تئور در هرجا

تئور برجسته‌ترین رهبر فلسطین در خاک یک کشور دیگر به فلسطینی‌ها اجازه می‌دهد برای دفاع از حیثیت و شرف خود، کشورها و افراد دخیل در این تئور را مجازات کنند. احتمال دارد در آینده‌ای نزدیک گروه‌های فلسطینی دست به تئورر مقامات صهیونیست در کشورهای دیگر بزنند. این احتمال بسیار قوی بوده و با شکسته شدن خطوط قرمز در دسترس قرار گرفته است. دامنه و تعداد این تئورها قابل توسعه هستند.

تئور نتانیاهو؛ منافع و زبان‌ها

احتمال تئور نتانیاهو چندان بالانست. در تل‌آویو بدون نتانیاهو تصمیماتی تا این میزان احفانه اتخاذ نمی‌شوند. برای آشکار شدن این موضوع باید چند سوال پرسید. آیا فردی غیر از نتانیاهو می‌توانست ۲۰۰ تانک رژیم در نوار غزه را از چرخه عملیاتی خارج کند؟ اگر کسی غیر از نتانیاهو بر سر کار بود بالاخره در جایی انصراف می‌داد. نتانیاهو یک تهدید قابل توجه اما همزمان یک فرصت غیرقابل تکرار است. او بود که فرصت تضعیف ارتش رژیم، تخریب اقتصاد، آواره کردن صهیونیست‌ها و حمله مستقیم به فلسطین اشغالی را در اختیار محور مقاومت قرار داد. نتانیاهو به دلیل غرور و قدرت طلبی به جنگ ادامه می‌دهد و رژیم را با سرعت بالایی به فروپاشی نزدیک می‌کند. بدون او تل‌آویو خیلی زودتر به آتش بس تن می‌داد. نتانیاهو با نخست‌وزیری طولانی مدتش و تغییر ویژگی‌های سیاسی رژیم، این موجودیت را در خود خلاصه و به شیشه عمر تل‌آویو تبدیل شده است. او شیشه عمری آماده است تا در زمان مناسب بشکند. او بود که پایه‌های اخلاقی در سیاست خارجی رژیم را شکسته و در داخل بذر اشتقاق و بی‌اعتمادی را کاشت. اگر نتانیاهو تئور شود یک دستاورد است، اما اگر برود با خود دستاوردهای زیادی را می‌برد.

تناقض ناکارآمد

حوزه اطلاعاتی- امنیتی، مزیت رژیم است و به همین دلیل صهیونیست‌ها با ناکامی در میدان نظامی آن را به دستورکار اصلی تبدیل کرده‌اند. جالب آنکه تل‌آویو قصد دارد محور مقاومت را با تهدید به جنگ گسترده از آن برای کسب آزادی عمل در حوزه اطلاعاتی- امنیتی اسنفاذه کند. در معنایی دقیق‌تر رژیم در میدان نظامی شکست خورده است و برای جبران آن به مزیت خود در حوزه اطلاعاتی- امنیتی کوچ کرده است. با این حال تلاش دارد برای جلوگیری از روبه رو شدن با تبعاتش اقداماتش در حوزه اطلاعاتی- امنیتی مانند تئور رهبران مقاومت به توان نظامی خود اتکا کرده و محور مقاومت را از میدان جنگ نظامی برتساند؛ نقطه حماقت سران رژیم دقیقاً اینجاست. اگر مقامات رژیم گوشه چشمی به قابلیت‌های نامتعارف خود دارند نیز بهتر است نگاهی به نقشه خود و توانمندی‌های نامتعارف طرف مقابل بیندازند.

خانه‌نشینی کاتص

یسرائیل کاتص، وزیر خارجه رژیم است اما امروزه بیشتر شبیه به پیرمردی خانه‌نشین شده است. او به جای سفر، تنها وزیرخارجه‌ای است که توثیت می‌کند و شاید به آمریکا نیز سفری داشته باشد تا در اطراف نشست‌هایی مانند ناتو، التماس کند. تحرکات او پس از حمله ایران آزمون‌ی برای اثبات این خواهد بود که کاتص وزیر خارجه است یا وزیری در داخل.

نکات

۱- رژیم در تئور هنیه، همانند بسیاری از حوزه‌ها به‌تنهایی دست به اقدام زده است. این رژیم به دلیل ابعاد کم و مشکلات بسیار بدون حمایت قادر به حیات نیست، چه رسد به آنکه قادر به اقدامات بزرگ باشد. توسعه فناوری، سلاح و سیستم‌های سلاح هسته‌ای و ساختارهای اطلاعاتی عظیم همه با کمک حامیان غربی صورت گرفته است. مشکلات رژیم به اندازه‌ای زیاد است که با وجود در اختیار داشتن سیستم اطلاعاتی قوی که در آن یهودیان مهارتی تاریخی دارند، همچنان برای عملیات‌ها از کمک متحدان بهره می‌گیرد. صهیونیست‌ها نه‌تنها قادر به اجرای مستقل عملیات تئور هنیه نبوده‌اند، بلکه در زمینه دفع پیامدهای زیانبار تئور نیز بر توانمندی متحدان‌شان حساب بازکرده‌اند.

۲- ایران در شهادت رئیس‌جمهور سابق و تحلیل‌ف رئیس‌جمهور فعلی شاهد ترافیک دیپلماتیک بود. تئور هنیه یک روز پس از تحلیل‌ف رئیس‌جمهور ایران انفجار خشم غرب و حسادت رژیم منزوی نسبت به این ترافیک دیپلماتیک فشرده در زمانی کوتاه را نشان داد. این تئور همچنین از جهانی ضربه غرب و رژیم، حیثیت ایران در رخداد‌های بین‌المللی را هدف گرفت. این مساله خود زاویه‌ای مستقل نسبت به نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران و همچنین تئور متحدان تهران است.

۳- رژیم نقطه اتکای مهمی برای غرب است و با از بین رفتنش، دیگر دولتی برای حملات گسترده و منقطع در غرب آسیا وجود نخواهد داشت. دیگر متحدان غرب در منطقه قادر به جایگزینی با رژیم نیستند.

۴- غرب درصدد به آشوب کشیدن تمام مناطق رقیب در شرق اروپا، شرق آسیا و غرب آسیاست. محور مقاومت باید امکانات و زمینه‌ها را از بین ببرد.

حیفا و تل‌آویو بدون حریم

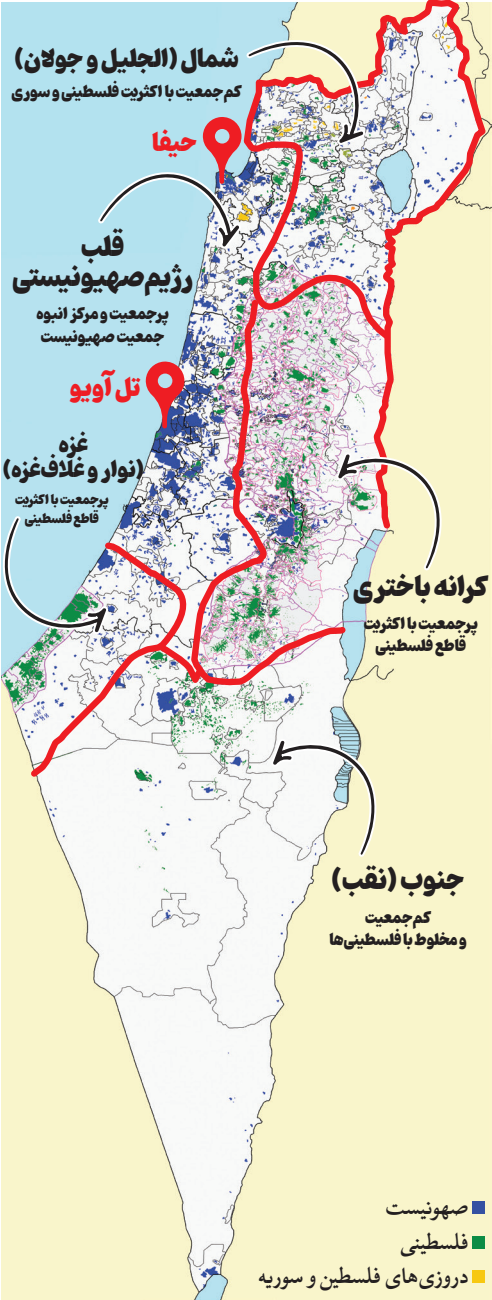
صهیونیست‌ها علی‌رغم موجودیت ۸ دهه‌ای و سابقه حضور طولانی در فلسطین اشغالی و غلبه امنیتی هنوز موفق به تثبیت جمعیت خود در این سرزمین نشده‌اند. در دیگر مناطق یا جمعیت فلسطینی‌ها بیشتر است یا جمعیت صهیونیست‌ها ناچیز است.

۱-**نقب**: منطقه نقب در جنوب‌به تقریباً نیمی از سرزمین فلسطین است، به‌طور کلی جمعیت کمی دارد. در این منطقه در مقابل صهیونیست‌ها درصد قابل توجهی از فلسطینی‌ها حضور دارند. ۲-**غزه**: غزه به دو منطقه نوار و غلاف تقسیم می‌شود. در نوار غزه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار فلسطینی و در غلاف ۶۵ هزار صهیونیست حضور دارند. جمعیت فلسطینی‌ها در غزه ۳۵ برابر صهیونیست‌هاست.

۳-**کرانه باختری**: در این منطقه ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار فلسطینی در برابر ۸۰۰ هزار صهیونیست حضور دارند. جمعیت صهیونیست‌ها در کرانه باختری یک‌چهارم فلسطینی‌هاست.

۴-**شمال**: منطقه شمال شامل دو منطقه الجلیل و جولان می‌شود. الجلیل بخشی از خاک فلسطین است اما جولان اشغالی به سوریه تعلق دارد. اکثریت جمعیت این منطقه در اختیار فلسطینی‌ها و عرب‌های سوری است.

۵-**قلب رژیم صهیونیستی**: این منطقه از حیفا تا تل‌آویو کشیده شده است. عمده جمعیت صهیونیست‌ها در این منطقه ساکن بوده و نسبت به فلسطینی‌ها در اکثریت قرار دارند. صهیونیست‌ها تنها در این منطقه کوچک قادر به تثبیت جمعیتی شده‌اند. به نظر می‌رسد این منطقه اصلی‌ترین محل فرود پرتابه‌های سبک و سنگین محور مقاومت خواهد بود. باید در نظر داشت این نوار هرچند محل تثبیت جمعیتی صهیونیست‌هاست اما آنها به لحاظ جمعیتی تنها در حیفا و تل‌آویو متمرکز دارند. دو شهری که دیگر هیچ خط قرمزی دربارها آنها وجود ندارد.



هدف محور مقاومت در عملیات "وعده صادق-۲" حمله به منطقه "قلب رژیم صهیونیستی" و به‌طور ویژه امکانات موجود در دو شهر حیفا و تل‌آویو است.

گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین تبادل زندانیان میان روسیه و کشورهای غربی

برگ برنده انتخاباتی دموکرات‌ها را پوتین امضا کرد



فاطمه بریمانی خبرنگارگروه جهان‌شهر

بزرگ‌ترین تبادل زندانیان میان روسیه و غرب از پایان جنگ سرد تاکنون انجام شد. «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی کاخ سفید صبح روز پنجشنبه به وقت محلی از به نتیجه رسیدن «پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین توافق» مبادله زندانیان با همکاری متخصصان امنیت ملی آمریکا خبر داد. این اتفاق با میانجیگری هفت کشور همچون آلمان، لهستان، اسلونی، بلاروس و نروژ انجام شده است. در این میان ترکیه نیز به عنوان محلی برای تبادل زندانیان و انتقال آنان به آمریکا و آلمان عمل می‌کند. آنچه که طی روزهای اخیر میان آمریکا و روسیه رقم خورد، به تعبیر بایدن یک «شاهکار دیپلماسی» بود. ادعای رئیس‌جمهور آمریکا

نشان می‌دهد دموکرات‌ها به مبادله کنونی به چشم یک برگ برنده انتخاباتی نگاه می‌کنند.

زندانیان چه کسانی بودند؟

زندانیان هفت کشور مختلف آمریکا، آلمان، لهستان، اسلونی، نروژ، روسیه و بلاروس طی توافقات صورت گرفته میان روسیه و کشورهای غربی به خانه‌های خود بازگشتند. طبق گزارش رسانه‌ها، این زندانیان شامل نیروهای نظامی، خبرنگاران، حکرها، هنرمندان و... بوده‌اند. به گفته منابع امنیتی، ۲۶ نفر با هفت هوپیمبا از آلمان، لهستان، اسلونی، نروژ، روسیه و دو نفر از آمریکا مبادله و به آنکارا منتقل شدند. اسامی زندانیان آزاد شده به صورت رسمی و عمومی در رسانه‌ها منتشر نشده اما اطلاعات برخی از این افراد در رسانه‌ها و با راجع به منابع آگاه در دسترس عموم قرار گرفته

نکرد؟» این جوابی بود که جو بایدن در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران در نشست خبری پس از آزادسازی زندانیان مطرح کرد. بایدن در این نشست ضمن ابراز حس غرور و رضایت از این اتفاق، ادعا کرد از همان روزهای روی کار آمدن «بیش از ۷۰ آمریکایی که به صورت غیرقانونی در خارج بازداشت یا گروگان گرفته شده بودند» را آزاد کرده است. این درحالی است که کشورهای دیگر در فرآیند مذاکره برای توافق صورت‌گرفته، اخبار دیگری را مطرح می‌کنند. «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهور بلاروس که متحد روسیه است یک روز پس از تبادل زندانیان، در نشستی خبری به رسانه‌ها اعلام کرد، رئیس‌جمهور آمریکا «هیچ ارتباطی با سازماندهی تبادل زندانیان بین روسیه غرب نداشته است اما تلاش می‌کند اعتبار آن را از آن خود کند.» با وجود تلاش لوکاشنکو برای بی‌اثر کردن اتفاق رخ داده اما دموکرات‌ها امتیاز خود را گرفته‌اند.